

آقای جاریان، برای آمدن شما حاکمیت شرط می‌گذارد، نه شما

محمدرضا باهنر در پاسخ به گفتوگوی سعید جاریان با «اعتماد»:

محمدرضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به شرط‌گذاری اصلاح‌طلبان برای حضور در انتخابات مجلس گفت: آقای جاریان برای آمدن شما حاکمیت شرط می‌گذارد، نه آنکه شما برای حاکمیت شرط بگذارید. اگر خواستید وارد انتخابات شوید یکسری شرط و شروط است، اینها را بپذیرید بعد تشریف بیاورید. باهنر در پاسخ به این پرسش که «اصلاح‌طلبان شروط ۶ گانه‌ای را برای حضور در عرصه انتخابات گذاشتند اما اخیراً آقای جاریان مصاحبه کرد و گفت «دولت آقای ریسی هرچه زودتر استعفا بدهد و برود بهتر است» به عبارت دیگر او گفته «اگر آن ۶ شرط هم نشد، دولت آقای ریسی استعفا دهد ما می‌آییم.» نظرتان درباره این شرط چیست؟» می‌گوید: «این نوعی هنجارشکنی است. رفتن و آمدن دولت سازوکار دارد. همین مجلس یازدهم وقتی شروع کار کرد برخی از نمایندگان دنبال عدم کفایت سیاسی آقای روحانی بودند. حتی یادم هست سال ۹۰ که آقای احمدی‌نژاد ۱۰ روزی خانه نشینی کرد برخی دوستان دو آتیشه او در مجلس پیش من آمدند و بخش عمده مردم از حوادث سال گذشته رنجیده‌اند و به جای این طرح‌ها باید از آنها دلجویی شود/ با کنترل فضای اعتراضات همه حرف‌ها را یادشان رفته و هم رسانه‌ها و هم آقایان مسوول، اسم اعتراضات سال گذشته را گذاشته‌اند؛ اغتشاشات؟ يك كلمه هم از اعتراضات حرف نمی‌زنند؟/ اگر اپوزیسیون وزن گرفت، به دلیل عملکرد ضعیف و بد برخی مسوولان در داخل کشور بود/ بپذیریم که این کشور ۸۵ میلیون نفر جمعیت دارد و کشور متعلق به يك جریان خاص یا حامیانش نیست.

در مورد طرح تناسبی شدن انتخابات من فکر می‌کنم سفره‌ای در حال چیده شدن است، اما به نظر می‌رسد اغلب مهمانان این سفره هنوز قانع نشده‌اند. تازه غذایی هم سر سفره نیست. با این طرح‌ها تغییری در دیدگاه مردم ایجاد نخواهد شد. بخش عمده مردم از حوادث سال گذشته رنجیده‌اند و به جای این طرح‌ها باید از آنها دلجویی شود.

مگر از تفكيك معترض و اغتشاشگر استفاده نمي‌کردند؟ خب چه شد كه يك‌باره با كنترل فضاي اعتراضات همه اين حرف‌ها را يادشان رفته و هم رسانه‌ها و هم آقاياں مسوول، اسم اعتراضات سال گذشته را گذاشته‌اند اغتشاشات؟ يك كلمه هم از اعتراضات حرف نمي‌زنند؟ واقعا فكر مي‌كنيد معترضين قانع شده‌اند كه شرايط كشور خيلي هم خوب است و اشتباه مي‌کردند؟

معتقدم اگر اپوزيسيون وزن گرفت، به دليل عملكرد ضعيف و بد برخي مسوولان در داخل كشور بود. زماني كه صدا و سيما براي همه اقشار جامعه برنامه‌سازي نمي‌كند، شبكه اينترنشنال مخاطب پيدا مي‌كند.

دستگاه‌هاي نظارتي هميشه بين كانديداهاي جريان اصلاح‌طلب و كانديداهاي جريان اصولگرا تبعيض قائل شده است. جريان اصلاح‌طلب و كانديداهاي آنان هميشه در يك رقابت نابرابر با رقباي خود قرار گرفته‌اند. در بسياري از موارد هم مجبور به حمايت از افراڊي شده‌اند كه اساسا ريشه در جريان سنتي اصولگرايان داشته‌اند.

دوقطبي اصلي ما در حوزه انساني بحث «نوجه و نخبه» است كه همه با آن مواجه شده‌ايم و افراڊي را بر مسند مسووليت ديده‌ايم و از خود پرسيده‌ايم چنين كساني با چه تخصص و توانايي در اين جايگاه قرار گرفتند. كافي است كه اوضاع قبل و بعد از حضور چنين افراڊي در يك مجموعه را مقايسه كنيم تا ببينيم چقدر ضرر و آسيب به آن مجموعه وارد كرده‌اند. اين حاصل دوقطبي «نوجه‌پروري» به جاي «نخبه‌گرائي» است.

براي ايجاد تحول در كشور اول از همه، نياز داريم بپذيريم كه اين كشور ۸۵ ميليون نفر جمعيت دارد و كشور متعلق به يك جريان خاص يا حاميانش نيست. در حال حاضر اين نگاه در كشور وجود ندارد. مشكل اصلي حكمراني در كشور ما اين است كه هر جرياني كه روي كار مي‌آيد، باقي جامعه و مطالبات آنها را نادیده مي‌گيرد. براي گام اول تحول در كشور بايد آقاياں اين نگاه شهروند درجه يك يا درجه دو را بردارند و بپذيرند كه اين كشور متعلق به همه شهروندان داراي تابعيت ايراني است.

وقتي در تمام طول سال بستر فعاليت براي احزاب فراهم نشود يا اجازه كنش به احزاب داده نشود، در ايام انتخابات محلي از اعراب نخواهند داشت. يك مثال بزنم. بارها حزب نڊاي ايرانيان بيانيه‌هايي در انتقاد از دولت در موارد مختلف صادر كرد. خبرگزارهايي كه از بودجه عمومي تزريق ميشوند، حاضر به انتشار اين بيانيه نشدند. وقتي يك حزب نتواند صڊاي مردم باشد يا صڊاي خود را به مردم برساند، طبيعتا در ايام انتخابات هم نمي‌تواند بخشي از جامعه را

دعوت به شرکت در انتخابات کند.

صدا و سیما فقط برای قشري خاص از جامعه برنامه تولید می‌کند و خود را فقط مسوول اقناع بخشی از جامعه می‌داند.

باید به این سوال نیز پاسخ دهیم که وقتی می‌گوییم «مردم» از کدام مردم حرف می‌زنیم؟ شخصا و مکررا با این موضوع مواجه شده‌ام که همه از مردم حرف می‌زنیم، اما گویا هر کس بخش و گروه مشخصی از مردم را مدنظر دارد و بخش دیگری را فراموش می‌کند یا نمی‌بیند.

باید ساختاری را اصلاح کنیم که علی لاریجانی و حسین دهقان که معتمد نظام هستند را هم از دایره بیرون می‌کنند و هم صلاحیت آنها احراز نمی‌شود. ما این مسائل را که اصل قصه هستند، نادیده می‌گیریم و سراغ طرح و قانون و مصوبه در مجلس می‌رویم. تازه مصوبه‌ای که باید منتظر باشید شورای نگهبان و مجمع هم توجیه باشند و رای دهند! برای مردم اینها خسته‌کننده و فرسایشی است.

منبع: روزنامه اعتماد 12 آبان 1402 □□□□□□